

بحث: نجاست میتة

مرحوم سید در عروة درباره میتة، آن را به عنوان چهارمین نجس العین معرفی کرده و می نویسد:

«الرابع: الميتة من كل ما له دم سائل، حلالاً كان أو حراماً، وكذا أجزاؤها المبانة منها، وإن كانت صفاراً، عدا ما لا تحلّ الحياة منها، كالصوف والشعر والوبر والعظم والقرن والمنقار والظفر والمخلب والريش والظلف والسن، والبيضة إذا اكتست القشر الأعلى سواء كانت من الحيوان الحلال أو الحرام، وسواء أخذ ذلك بجزء أو نتف أو غيرهما، نعم يجب غسل المتوف من رطوبات الميتة، ويلحق بالمذكورات الأنفحة، وكذا اللبن في الضرع ولا ينجس بملاقاة الضرع النجس، لكن الأحوط في اللبن الاجتناب، خصوصاً إذا كان من غير مأكول اللحم ولا بدّ من غسل ظاهر الأنفحة الملاقى للميتة هذا في ميتة غير نجس العین، وأمّا فيها فلا يستثنى شيء.»^۱

توضیح:

۱. حیوانی که دارای نفس سائله است، میتة اش نجس است
۲. چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت باشد
۳. همچنین اجزایی که حیات در آن ها حلول کرده است، اگر از حیوان جدا شود [در حالیکه زنده است و یا پس از میتة شدن حیوان]
۴. ولی اجزایی که حیات در آنها حلول نکرده است، پس از میتة شدن حیوان، نجس نیست.
۵. این اجزا عبارتند از صوف (پشم)، مو (شعر / در بُز)، وبر (کُرک / در شتر، خرگوش و روباه) استخوان، شاخ، منقار، ناخن، پر (ریش)، مِخلَب (پنجه پرندگان) دندان (سنّ) ظلف (سم گاو، شتر و آهو)
۶. [مرحوم کاشف الغطاء: ناب یعنی دندان نیش، خُف (کف پای شتر و شترمرغ) و حافر (سُم) را هم از اجزاء ما لا تحله الحیاة برمی شمارد]
۷. مرحوم سید همچنین از زمره اجزا ما لا تحله الحیاة، تخم مرغ (و امثال آن) را برمی شمارد ولی شرط می کند که باید پوست بالایی آن (که سخت است) بر آن شکل گرفته باشد.
۸. اجزاء ما لا تحله الحیاة، مطلقاً طاهر هستند، حتی اگر مربوط به حیوان حرام گوشت باشند و فرقی نمی کند با قیچی کردن و یا کندن از بدن میتة جدا شده باشند.
۹. البته جزء ما لا تحله الحیاة را باید از رطوبت میتة تطهیر کرد

^۱ . العروة الوثقی (عدة من الفقها)، ج ۱، ص ۱۲۲



۱۰. همچنین انفحه (ماده‌ای پنیری شکل که در شکم بزغاله است و با آن پنیر درست می‌شود) و شیری که در پستان حیوان میته باقی است هم طاهر است.

۱۱. شیری که در پستان حیوان میته است، اگرچه در موقع خروج با بدن میته ملاقات می‌کند ولی این ملاقات باعث نجاست نمی‌شود.

۱۲. البته احتیاط مستحب آن است که از شیر میته اجتناب شود

۱۳. و این احتیاط در صورتی که حیوان مذکور حرام گوشت باشد، شدیدتر است

۱۴. اما درباره انفحه باید قسمتی که با بدن میته ملاقات دارد را تطهیر کرد.

۱۵. در میته نجس العین، همه اجزاء نجس است و چیزی استثناء نشده است.

ما می‌گوییم:

۱. مرحوم بروجردی، مرحوم نائینی و مرحوم آل یس درباره شیری که در پستان است احتیاط واجب کرده‌اند و مرحوم نائینی و مرحوم خویی، اگر حیوان حرام گوشت باشد، به نجاست فتوی داده‌اند.

۲. حضرت امام، مرحوم اصفهانی، مرحوم عراقی و مرحوم حائری درباره شیری که در پستان حرام گوشت است، احتیاط واجب کرده‌اند

۳. مرحوم جواهری درباره «انفحه»، یک بحث موضوعی را مطرح می‌کند که شاید انفحه آن چیزی است که درون یک پوسته‌ای قرار دارد و لذا هیچ قسمتی از آن به بدن میته ملاقات نمی‌کند

۴. حضرت امام هم در تحریر درباره میته می‌نویسند:

«الرابع: میتة ذی النفس من الحيوان ممّا تحلّه الحیاة، وما یُقطع من جسده حیّاً ممّا تحلّه الحیاة، عدا ما ینفصل من بدنه من الأجزاء الصغار، کالبثور والثؤلول وما یعلو الشفة و القروح و غیرها عند البرء وقشور الجرب ونحوه . وما لا تحلّه الحیاة، کالعظم و القرن و السنّ و المنقار و الظفر و الحافر و الشعر و الصوف و الوبر و الریش، طاهر. وكذا البیض من المیتة الذی اكتسب القشر الأعلى من مأکول اللحم، بل و غیره. ویلحق بما ذکر الإنفحة - و هی الشیء الأصفر الذی یُجبن به، و یكون منجمداً فی جوف کرش الحمل و الجدی قبل الأكل - وكذا اللبن فی الضرع، ولا ینجسان بمحلّهما، والأحوط الذی لا یترك اختصاص الحكم بلبن مأکول اللحم»^۱

۱. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۱۲۰

ما می گوئیم:

۱. توجه شود که نظر امام و مرحوم سید در اجزاء کوچکی است که از بدن حیوان زنده جدا می شود؛ مثل: بشور (جمع بثر: جوش)، ثؤلول (زگیل)، ما یعلوالشفه (لب؛ مقصود تبخال است)، قروح (جمع قرح: جوش چرکین) غیرها عند البرء (خوب شدن) قشور الجرب (الجرب: کسی که به بیماری پسی دچار است) جدا می شود، تفاوتی ندارد. چرا که این اجزاء اگر از بدن حیوان زنده جدا شود، پاک است ولی اگر از بدن میته جدا شود نجس است.

توجه شود که عبارت مرحوم امام ممکن است به گونه ای معنی شود که «عدا ما ینفصل...» را استثناء از میته هم دانست ولی با توجه به اینکه ایشان حاشیه ای بر عروة ندارند، به نظر می رسد نظر ایشان، با نظر سید در عروة از این جهت فرقی ندارد.

۲. تفاوت نظر امام و سید در تخم مرغ (و امثال آن) است که امام در حیوانات حلال گوشت آن را طاهر می دانند و سپس با اضراب حیوانات حرام گوشت را هم به آن ملحق می کنند [و لذا هم نظر سید می شوند].

۳. و دومین تفاوت این دو بزرگوار، در انفعه است که به احتیاط واجب، ظاهر آن را نجس می دانند ولی سید حکم به طهارت آن کرده است.

